جوان

کهگیلویه و بویراحمد

روزنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی صبح ایران
سه شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۴
۲۲ ذیحجه ۱۴۳۶
سال اول
شماره سیزدهم
چهار صفحه

ویژه نامه
دانشگاه و دانشجو

دانشگاه یا باشگاه احزاب، اشخاص و طایفه‌ها!

صفحه ۱

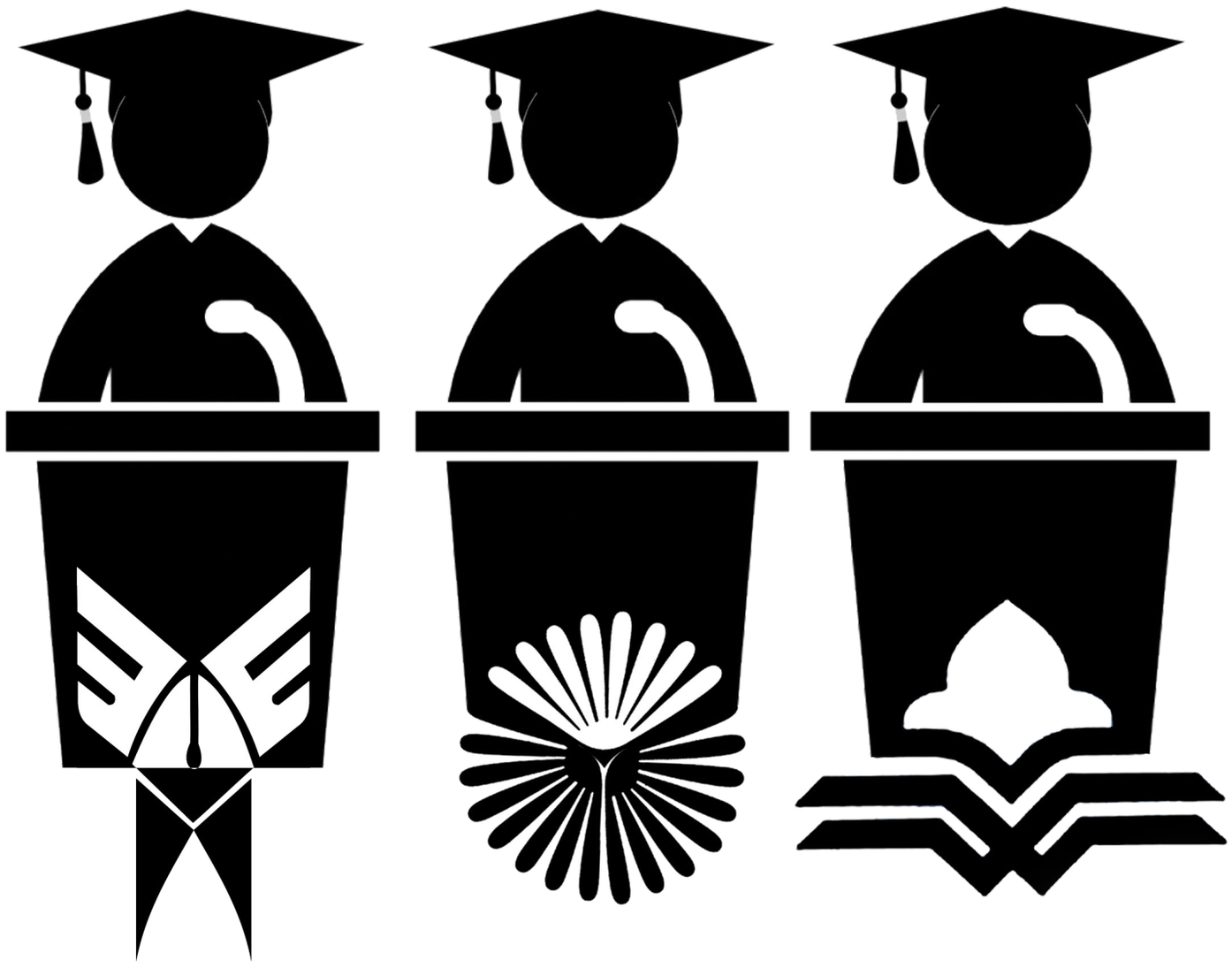

ستون ثابت

کد مطلب: ۱۳۱۱

با اجازه از...

با اجازه از امیرالمؤنین، علی(ع) که در این ایام، شأن نزول آیه اکمال دین محمد(ص) شد...

-پس آنگاه خداوند چنین وحی‌ام فرستاد: «به نام خداوند همه مهرِ مهرورز. ای فرستاده‌ی ما! آن‌چه از سوی پروردگارت درباره‌ی علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده‌ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می‌دارد.»

هان مردمان! آن‌چه بر من فرود آمده، در تبلیغ آن کوتاهی نکرده‌ام و حال برایتان سبب نزول آیه را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم -که تنها او سلام است- فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی‌بن‌ابی‌طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امّت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت به من به‌سانِ هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبریِ پس از من نخواهد بود او (علی)، صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول است؛

دانشگاه

تشکل‌های دانشجویی استان چه می‌کنند؟

۱- فارغ از همه‌ی ارادت‌های شخصی به فعالیت‌های دانشجویی اعم از فرهنگی و سیاسی و آموزشی و...؛ باید فاق قلمم را طوری بگیرم که مرکب‌اش هم پررنگ و صریح بنویسد و هم بزرگ و خوانا. چیزی که من را وادار کرد که از تشکل‌ها بنویسم، نقش محوری و... | صفحه ۲

دانشگاه

دانشگاه در ساحت اندیشه امام خمینی(ره)

بررسی آثار امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان بر اهمّیت جایگاه و نقش دانشگاه و دانشجو بسیار تأکید فرموده‌اند. به طوری که دانشگاه و دانشجو را موتور حرکت نظام، سنگر سازندگی یا تخریب، امید ملّت، مرکز همه چیز و محور تمام مسائل پیش‌رفت یا انحطاط، نجات یا هلاک کشور می‌دانستند.

**درهمه‌ی امور باید حساس بود. اما فرقِ است مابین آنی که این حساسیت باید ادامه پیدا بکند. یک چیزهایی که حل می‌شود. مثلا جنگ داریم. جنگ چیزمهمی نیست حل می‌شود. چیزمهمی نیست و بحمدلله خوب است وضع.وجهات سیاسی که... | صفحه ۲

اقتصاد

اقتصاد و نقش دانشگاه

ارتباط صنعت و دانشگاه با توجه به میزان تأثیرگذاری آن در فرایند توسعه‌ی دانش‌محور و پایدار در طول تاریخ مورد توجه عموم صاحب‌نظران به خصوص سیاست‌گذاران قرار گرفته و بحث‌های متعددی نیز درباره ابعاد این ارتباط مطرح شده‌است. اگر در گذشته نیازی به برقراری رابطه بین این دو نهاد جامعه احساس نمی‌شده ولی امروز الزام ایجاد چنین ارتباط و تعاملی بین این دو نهاد، بیش از پیش آشکار شده‌است. تربیت نیروی متخصص و کارآمد از یک طرف و اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان دانشگاه از سوی دیگر مسائلی است که در این زمینه ذهن آدمی را به خود مشغول می کنند. جامعه ایران به عنوان... | صفحه ۳

کاظرات عشایری

از خجالت شاه در آمدم

زنگ انشا نواخته شد، انشانویسان خوشحال و خندان از اینکه مطلب داشتند و به رشته‌ی تحریر درآورده‌بودند ولی آن‌هایی موردی به ذهن‌شان خطور نکرده‌بود در آخر کلاس به گوشه‌ای پناه برده و از دید دبیر پنهان می‌شدند. افراد کلاس چنان وحشتی از دبیر مربوطه داشتند که... | صفحه ۴

سید مسعود پرهیزگاری s.m.pahizgari@gmail.com

کد مطلب: ۱۳۱۲

دانشگاه یا باشگاه احزاب، اشخاص و طایفه‌ها!

دانشگاه همان‌طور که از نامش پیداست، محلی برای کسب دانش و فضایل است.

مکانی فرهنگی و علمی که دانش‌آموز را به دانش‌جو تبدیل می کند و در این بین از او در چند بُعد انسان جدیدی می‌سازد.

یک کارشناس علمی در رشته‌ی تخصصی، یک جوان آگاه به مسایل روز و فردی که آماده‌ی در دست گرفتن سکان‌های اجرایی کشور بعد از فارغ‌التحصیلی است.

در واقع می‌توان این گونه بیان داشت که دانشگاه محلی است برای جامعه‌پذیر کردن، نقش‌پذیر کردن و مسئولیت‌پذیر کردن یک دانش‌آموز که برای کسب علم و فن پا به این مکان گذاشته است.

دانشگاه از سوی دیگری محلی برای تعیین خط مشی صنعت، اقتصاد و فرهنگ یک جامعه‌ی پیشرفته و ارائه‌ی راه‌کارِ برون‌رفت از معضلات، برای یک جامعه‌ی در حال توسعه است.

اجتماع‌پذیر کردن دانشجو در محیط دانشگاه، نیز به چند صورت اتفاق می‌افتد که از آن جمله می‌توان به شرکت در فعالیت‌های سیاسی، آگاهی از اتفاقات پیرامونی و مطالبه‌گری از مسئولان اشاره کرد.

دانشگاه از این حیث محلی برای تضارب آرا و اندیشه‌های دانشجویان و محملی برای مطالبه از دست‌اندرکاران با روحیه‌ی آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی است.

این که دانشگاه‌های ما تا چه اندازه در تحقّق هر کدام از این شاخصه‌ها موفق بودند، بحثی است که تا اندازه‌ای در ادامه به آن می‌پردازیم.

استان کهگیلویه و بویراحمد بیش از ۲۵ دانشگاه و مرکز آموزش عالی دارد که در نقاط مختلف جغرافیایی استان پخش شده‌اند و این یعنی پخش نخبگان و آینده‌سازان استان در نقطه‌های مختلف استان و باز هم بدین معنی که حس‌گرهای جامعه در همه جای استان حضور دارند و درد های همه‌ی جامعه را به خوبی می توان از این جامعه‌ی نخبگانی استخراج کرد.

دانشگاه‌های مادر استان در این بین به عنوان مرجع و نقطه‌ی نهایی شدن تصمیم‌های جامعه‌ی دانشگاهی می توانند نقش به‌سزایی ایفا کنند.

اما از نگاه آرمان‌گرایانه به دانشگاه و جامعه دانشگاهی که بگذریم، دانشگاه‌های استان ما تا چه اندازه در پیش‌رفتِ علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان سهیم بوده و یا هستند.

در این که دانشگاه در استان ما مقوله‌ی نوپایی است و تا رسیدن به حد مطلوب فاصله دارد حرفی نیست اما آیا شرایط را برای گذار بهتر و سریع‌تر فراهم کرده‌ایم؟

اگر جستجوی کوچکی پیرامون دانشگاه در استان در یکی از موتورهای جستجو انجام دهیم، متأسفانه با پاسخ‌نگران کننده‌ای به پرسش بالایی مواجه می شویم.

دانشگاه یا باشگاه سیاسی احزاب، اشخاص و طایفه‌ها!

به عنوان الگو، محوری‌ترین دانشگاه استان، یعنی دانشگاه دولتی یاسوج را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

طی دو سال نخست دولت یازدهم، دانشگاه یاسوج محل شدیدترین نزاع‌های و بحث‌های سیاسی و حاشیه‌ای ممکن در استان بود به طوری که قاطبه‌ی جریان به نوعی گرفتار این سیاسی کاری سخیف در دانشگاه شده‌بودند.

سرپرست دانشگاه به محض نشست بر کرسی ریاست، برخورد های حذفی را که در شأن محیط علمی و فرهنگی دانشگاه نیست آغاز کرد و کار را به جایی رسانید که در روز های نخست آغاز به کار، حقوق چند نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه که به عنوان مأمور به تحصیل مشغول تحصیل در مقطع دکترا بودند را قطع کرد.

از سوی دیگر مسئول یکی از مهم‌ترین قسمت های دانشگاه که حضورش در دانشگاه در روزهای تعطیل هم ضروری و لازم است، به صورت غیر قانونی مشغول به تحصیل در یکی از دانشگاه‌های خارج استان می شود و چند روز کاری در ماه را در محل کار حضور ندارد.

تحصیل در مقطع دکترا در یک دانشگاه و اشتغال به کار در دانشگاه دیگر از تخلفات صریحی است که قوانین به صراحت به آن پرداخته‌اند.

دامن زدن به بورسیه‌ها و اقدام به انتشار غیرقانونی اسامی آن‌ها با ریز جزئیات خصوصی در رسانه‌های وابسته به جریان فکری سرپرست دانشگاه یاسوج، از اقدامات دیگری بود که در آغاز به کار سرپرستی شاپور رمضانی در دانشگاه یاسوج صورت گرفت.

از سوی دیگر رسانه‌های منتقد نیز نوک حمله‌ی خود را به سوی دانشگاه یاسوج گرفته و هر از چند گاهی بخش‌هایی از ناگفته‌های این دانشگاه را علنی می‌کردند، اقدامی که با برخورد قهری و حذفی سرپرست تازه کار دانشگاه یاسوج مواجه شد و خبرنگارهایی در دانشگاه یاسوج ستاره‌دار شدند که حتی برای ورود به دانشگاه نیز با مشکل مواجه بودند.

اقدام غیر قانونی سرپرست دانشگاه در تغییر نام کتاب خانه دانشگاه یاسوج، صدای معاون فرهنگی دانشگاه را نیز در آورد که باعث حذف این همکار همسو با ریاست دانشگاه نیز گردید.

حذف و جذب‌های فله‌ای در دانشگاه نیز از جمله حواشی دیگری بود که در این مقاله به آن نمی‌پردازیم.

مدتی از سرپرستی رمضانی نگذشت که خبرهایی از عدم تأیید صلاحیت او به گوش رسید و این باعث شد طیف هوادار او در دانشگاه هر از چند گاهی به بهانه‌های مختلف اقدام به تعطیلی دانشگاه، جمع آوری امضا و یا تجمع جلو ساختمان ریاست دانشگاه در حمایت از سرپرست غیرقانونی دانشگاه یاسوج کنند.

سرپرستی غیر قانونی از زمانی آغاز شد که عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از عدم تأیید صلاحیت این شخص برای ریاست دانشگاه و غیر قانونی بودن ادامه‌ی حضور رمضانی در دانشگاه یاسوج خبر داد.

با تلاش‌های پشت پرده برخی از سیاسیون و معاون فرهنگی وزیر علوم، برای حضور رمضانی در دانشگاه اصرار و پافشاری می‌شد و این امر باعث شد که مدت دو سال دانشگاه یاسوج بدون رئیس و با حاشیه های فراوان اداره شود.

و این به شدت به رشد علمی، فرهنگی و آموزشی دانشگاه لطمه زد و بارها صدای دانشجویان را در آورد.

سوء مدیریت باعث اعتراض دانشجویان دختر دانشگاه یاسوج در اعتراض به برخی از حرکات ناشایست در دانشگاه در مواجهه با دانشجویان دختر شد که... . با ایستادگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سوت پایان مسابقه قانون گریزی در دانشگاه یاسوج به صدا در آمد و انتظار ها برای معرفی گزینه بعدی آغاز شد.

جنگ قدرت نمایندگان مجلس از این جا شروع شد و هر کس در تلاش تا گزینه فامیلی و یا حزبی خود را معرفی کند.

این تنها یک برش از تاریخچه‌ی دانشگاه یاسوج بود که طی دو سال چه بلاها بر پایه‌های علمی و دانشگاهی این استان وارد شده است و تا چه اندازه مانع رشد استان شده است.

همواره دانشگاه یاسوج به عنوان دانشگاه مادر استان دست‌خوش حساب و کتاب‌های سیاسیون بوده‌است و برای آن برنامه های سیاسی مختلفی ریخته‌اند به طوری که بعضاً سیاسی بودن ریاست دانشگاه را بر علمی و اجرایی بودن آن ترجیح می دادند.

بگذریم که الان دانشگاه یاسوج در چه وضعیتی قرار دارد و چه اتفاقاتی در آن رخ می‌دهد، اما این دانشگاه از گذشته تا کنون مورد طمع سیاسیون بوده و آن را با باشگاه سیاسی و طایفه‌ای اشتباه گرفته و سعی در اعمال انواع سیاست‌های حزبی و طایفه‌ای در این داشته‌اند، از تزریق نیروی هم‌حزب تا استخدام نیروهای هم طایفه‌ای، از به حاشیه کشاندن برنامه‌های سیاسی دانشگاه تا گسیل سیاهی‌لشگر غیر دانشجو و راه انداختن کارناوال در دانشگاه و...

حال به ابتدای مقاله می‌رویم، دانشگاهی که از آن انتظار سیاسی بازی می رود کجا می‌تواند نقش به‌سزایی در رشد فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، علمی و اجتماعی ایفا کند.

هیچ‌گاه منکر نقش ارزنده‌ی دانشگاهیان و اساتید دانشگاهی در حل پاره‌ای معضلات استان نبوده و نیستیم و توان‌مندی دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هایمان را زیر سؤال نمی بریم اما این امر مستلزم ایجاد یک جریان در دانشگاه‌های استان است که با یک حرکت دسته‌جمعی و نه جزیره‌ای برای توسعه‌ی استان در همه‌ی عرصه‌ها تلاش کنیم.

و ایجاد جریان تا وقتی که مسئولان اجرایی از دانشگاه انتظار دیگری دارند محقق نمی شود حتی اگر همه‌ی اساتید ما هم رتبه حسابی‌ها و انیشتین‌ها باشند.

گزیده خبر

جمع آوری: مرتضی رستگارفر
m.rastegarfar@gmail.com

۱ کدخبر: ۱۳۵۱

بی توجهی مسئولان دانشگاه یاسوج نسبت به یادمان شهید گمنام

حدود پنج سال از تدفین پیکر مطهر یک شهید گمنام یادگار دفاع مقدس در دانشگاه یاسوج می گذرد و از آن زمان تاکنون ساخت یادمان و ساماندهی قبر این شهید والامقام با بی توجهی مسئولان دانشگاه وضعیت تاسف باری را به نمایش گذاشته است.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی صبح زاگرس حدود پنج سال از آرامیدن شهید گمنام در تپه های دانشگاه یاسوج در ضلع شمالی این مرکز علمی در مرکز کهگیلویه وبویراحمد و نزدیک به مسجد الغدیر این دانشگاه می گذرد، که هنوز این مقبره در بی مهری مسئولان دانشگاه یاسوج نیمه کاره رها شده و غربتی دیگر از تنهایی این شهید گمنام، به تصویر کشیده شده است.

هرازگاهی شمیم شهیدان گمنام در استان سراسر شیعه کهگیلویه وبویراحمد می دمد و مکان های مختلفی از این استان، میزبان این پیکرهای بی نام و نشان اما نامدار هستند.

کهگیلویه وبویراحمد با تقدیم یکهزارو ۸۰۰ شهیدو بیشترین آزاده و جانباز بر اساس جمعیت از استانهای بوده که در صحنه های اقتدار هشت سال دفاع مقدس همیشه پیش تاز بوده است وامروز عطر شهیدان گمنام ،(فرزندان روح الله)در هر مکان و نقطه ای از این استان می دمد.

امروز یادمان های شهدای گمنام ،نشان از عشقی دیگر به آرمانهای شهداء است، که همواره با دیدن این یادمانها این سخن گهر بار مقام معظم رهبری در ذهن ها خطور می کند که آمدن شهدای گمنام نیاز جامعه است و در یک مرکز دانشگاهی با حدود هفت هزار دانشجو این مهم باید در اولویت قرار گیرد.

دانشگاه یاسوج که در چند سال اخیر با فراز ونشیب های فروان مدیریتی دست و پنجه نرم کرده فعالیت های فرهنگی در آن کمرنگ شده است،امروز به قول برخی شرمنده غربت شهید گمنام این دانشگاه شده است.

حدود پنج سال است که از احداث یادمان شهید گمنام دانشگاه یاسوج می گذرد که نبود یک مدیریت واحد در این دانشگاه ، باعث کندی احداث این یادمان در این دانشگاه شده و حتی آن را به فراموشی سپرده است.

مقبره شهید گمنام دانشگاه یاسوج امروز بر اثر بی مهری مسئولان از نمای جالب و در خور شان یک شهید را به خود نمی بیند که برخی مسائل حاشیه ای مسئولان آفتی شده تا این مقبره را نه کسی ببیند و نه کسی از وجود آن در این مرکز علمی اطلاع داشته باشد.

امروز بیشتر دانشجویانی که در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند، حتی شاید بعد از چندین ترم درس خواندن در این مرکز علمی از وجود این یادمان بی اطلاع باشند، که یکی از این دلایل، نبود راه مناسب و نداشتن فضای بصری مناسب در این مکان است.

موضوعی که باعث شده به غیر از رسانه ها،دانشجویان و مردم از روند پیشرفت این پروژه انتقاد داشته باشند وتنها دلیل اصلی این موضوع را توجه نکردن مسئولان به مسائل فرهنگی بدانند. و از طرفی دیگر شاید مسأله‌ای که در چند وقت اخیر به طور جدی در دانشگاه های استان و حتی برخی مناطق استان رخ داده است همین بی مهری به ساخت یادمان شهداباشد.

باید به مسئولان این مرکز علمی گوشزد کرد، امروز ترویج گفتمان شهداء و ادامه رسالت آنان در جامعه به خصوص در مراکز علمی از نیازهای جامعه است.

از طرفی دیگرمسئولان ذیربط این دانشگاه باید نگاهی به یادمان شهدای گمنام در دانشگاههای ایران از جمله دانشگاه امیر کبیر، چمران وصنعتی شریف و دیگر دانشگاهها داشته باشند و بدانند که نباید یاد شهداء فراموش شود.

مسئولین نگذارند یاد شهدا فراموش شود

اعتقادمان این است که دولت، مسئولان کشور بخش‌های مختلف، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس باید در همه برنامه‌های خود، سرلوحه فکروانديشه وتصور و دستورالعمل اجرا و برنامه‌ریزی خودشان را گرامیداشت این سرمایه‌ها قرار بدهند؛ نگذارند یاد شهدای عزیز ما و خانواده‌های مکرم آنها کمرنگ و فراموش بشود و بیشتر از همه سونامی سیاسی بازی را در دانشگاههای یمان علم کنیم وتوجه ای به مسائل فرهنگی از جمله شهداء نداشته باشیم.

شهدای گمنام با آمدن‌شان به ما یادآوری می کنند، کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، در دل و جان مردم جای دارند و ما به خود می‌بالیم که این شهدای سرافراز را در کنار خود داریم و به وجود پربرکت آن‌ها افتخار می کنیم.

اکنون بعد از قریب پنج سال از این مهمانی، در تمام دهه‌های هفته مانند دهه کرامت و ولایت، دفاع مقدس، نیرو انتظامی و... یکی از برنامه‌های ثابت سازمان‌ها و ادارات عطرافشانی و غبارروبی قبور مطهر شهداست و مسئولان با افتخار در کنار این قبور با گل و گلاب عکس یادگاری می گیرند،ولی آن‌چیزی که در این مدت تغییر نکرده است، بی‌توجهی مسئولان نسبت به مهمانانی است که روزگاری برای میزبانی آن‌ها سرودست می‌شکستند، که امروز نه مقبره ای و نه یادمانی در خور شأن آنها ساخته نشده است.

صبح زاگرس

دانشگاه | کد مطلب: ۱۳۲۱

سید سعید هاشمی ali.saeidh@gmail.com

تشکل‌های دانشجویی استان چه می‌کنند؟!

۱-فارغ از همه‌ی ارادت‌های شخصی به فعالیت‌های دانشجویی اعم از فرهنگی و سیاسی و آموزشی و...؛ باید فاق قلمم را طوری بگیرم که مرکب‌اش هم پررنگ و صریح بنویسد و هم بزرگ و خوانا. چیزی که من را وادار کرد که از تشکل‌ها بنویسم، نقش محوری و چالشی آن‌ها در مدیریت فضای دانشگاهی است که بلاشک ثمره‌ی آن دانشگاه در حوزه‌ی فعالیت های جانبی، باید به دست تشکل ها باشد که داریم: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

۲-علت هرچه که باشد، کلیت جنبش‌های دانشجویی افول پیدا کرده‌است. این به دانشگاه‌های استان ما هم تزریق شد. با مقایسه‌ی بین جنبش‌های دانشجویی اوایل انقلاب نسبت به حال، یک سری «هم‌رفتی و درون‌گرایی» در تشکل‌ها بوجود آمد که وصف کردنش کمی شرح حال می‌خواهد و آن هم در حوصله‌ی ما نیست. وقتی صحبت از افول می‌شود بحث‌مان این نیست که صورت مسأله پاک شده کما این‌که به تناسب قبل، آن نشاطِ کاری وجود ندارد.

۳- تشکل‌های استان ما، شاید وحدت رویه داشته باشند، اما غالباً نمی‌دانند به کدام سمت باید حرکت کنند. برنامه‌ریزی دقیقه‌ی نودی یکی از معضلات ماست. نداشتن شیوه‌ی جذب صحیح، برگزاری برنامه‌هایی به دور از سیاست‌های کلی آن تشکل، عدم برنامه‌ریزی مدون و دارای چشم‌انداز و برخی دیگر از این دست کارها، تشکل‌های ما را ضعیف‌تر جلوه می‌دهد. به جرأت می توانم بگویم که پتانسیل و ظرفیت بچه‌های تشکلی این استان از غالب دانشگاه‌های حتی درجه یک کشور مثل تهران هم شاید بیشتر باشد اما...

۴-اما قدرت چانه‌زنی بچه‌های تشکلی باید فراتر رود و فیتیله‌ی مطالبه‌گری‌اش را باید بالاتر ببرد. در مصاحبه‌های مختلفی که با دوستان دانشگاه‌هایی چون صنعتی شریف، تهران، امیرکبیر تهران، اصفهان، سمنان، پیام نور اصفهان و...، در مورد فضاهای آزاداندیشی داشتم، فهمیدم که اولاً آن‌ها هم مثل ما آدمند و عجیب و غریب نیستند و ثانیاً آن‌ها

دقیقاً هم‌سطح بچه‌های استان هستند فقط در جایی دیگر از این کشور در حال تحصیل‌اند، اما خصوصیت بارز آن‌ها این است که از تشکل‌های استان ما کمی بیشتر مطالبه‌گرند.

۵-به علت نوع انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها که واقعاً هنوز ساز و کار درست آن را بعد از چندین سال هنوز متوجه نشدم و فکر کنم هنوز به صورت طایفه‌ای انتخاب می‌شوند، این رؤسا غالباً در فضای فرهنگی و تشکلی رشد پیدا نکرده‌اند و به همین خاطر «شیوه‌ی فضا دادن به تشکل‌ها» را هنوز یاد نگرفتند. نه اهمیت می‌دهند نه کاری در این حیطه انجام می‌دهند. حتی در راه‌اندازی یک تشکل هم نمی‌دانند باید چه کنند. بالاتر از آن هم فکر می کنند اگر تشکلی بخواهد برنامه اجرا کند، به خاطر بر هم زدن جو دانشگاه است. پس بهترین کاری که فکر می کنند درست است و آن را انجام می‌دهند، عدم توجه به جلسات شورای فرهنگی، محل تمامی اتفاقات فرهنگی دانشگاه می باشد. متأسفانه دودش در چشم دانشجویان علی‌الخصوص تشکلی‌ها می‌رود.

۶- به خاطر شرایط بسیار مهم امسال که انتخابات مجلس می‌باشد، نیاز هست که کارهای «جبهه‌ای تشکل‌ها» به صورت منسجم و دارای چشم اندازی روشن شکل بگیرد. برای تشخیص دقیق راه، نیازمند تحلیل صحیح از محیطیم و این به دست نخواهد آمد جز با ارتباط اتفاقات شکل گرفته در سطح کشور و حتی دیگر کشورها. پی‌گیریِ مسائل کشور از اولویت‌های اصلی تشکل‌هاست که این می‌تواند سندی باشد بر باز کردن محیطی آرام و فضایی به دور از همه‌ی تشنّجات کاذب.

دانشگاه | کد مطلب: ۱۳۲۲

مهدی دلبند mahdidelband@gmail.com

دانشگاه در ساحت اندیشه امام خمینی(ره)

بررسی آثار امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان بر اهمّیّت جایگاه و نقش دانشگاه و دانشجو بسیار تأکید فرموده‌اند. به طوری که دانشگاه و دانشجو را موتور حرکت نظام، سنگر سازندگی یا تخریب، امید ملّت، مرکز همه چیز و محور تمام مسائل پیش‌رفت یا انحطاط، نجات یا هلاک کشور می‌دانستند.

درهمه‌ی امور باید حساس بود. اما فرق است مابین آنی که این حساسیت باید ادامه پیدا بکند. یک چیزهایی که حل می‌شود. مثلاً جنگ داریم. جنگ چیزمهمی نیست حل می‌شود. چیزمهمی نیست و بحمدلله خوب است وضع.وجهات سیاسی که در دنیا هست آن هم حل می‌شود إن‌شاءالله. چیزهایی که باید حساس بود اما مسأله‌ی دانشگاه یک مسأله‌ی فوق العاده که این افرادی که از دانشگاه در می‌آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازنده‌ی آن کشورهستند. این از چیزهایی است که ازدانشگاه می‌آید این کار. چنان‌چه از حوزه‌های علمیه می‌آید این کار.از این جهت خیلی مهم است این امر.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود امام راحل (ره) با دوراندیشی و روشن‌بینی خود مسأله‌ی دانشگاه را از مسائل بسیار مهم و حیاتی دانسته و آینده کشور را به خروجی دانشگاه‌ها گره می‌زنند. با بررسی افکار، آثار و کارکردهای فارغ‌التحصیلان دانشگاه در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور از ابتدای انقلاب تاکنون به عمق و ژرفای سخنان امام بیشتر پی می‌بریم. لازم به توضیح است که آینده‌ی کشور را دانشجویان امروز و مدیران فردای آن می‌سازند. بنابراین به سمت تعالی و پیش‌رفت رفتن یا به سمت انحطاط و رکود و وابستگی رفتن کشور بستگی مستقیم به محصولی دارد که دانشگاه به جامعه تحویل می دهد. اما نکته‌ی بسیار مهمی که در این‌جا می‌توان به آن اشاره کرد این است که «دیروز جبهه دانشگاه بود و امروز دانشگاه جبهه.» شاید کسانی باشند که این حرف را قبول نداشته باشند و یا کسانی هنوز این مسأله برای‌شان گنگ باشد، اما این یک واقعیت انکارناشدنی است. برای روشن شدن این واقعیت به بخش دیگری از سخنان امام در همان جلسه نظرمی‌افکنیم

بالاترین چیزی که دشمن‌های کشورهای مستضعف و کشورهای اسلامی و مخالفین بابشریت انگشت رویش گذاشتند، دانشگاه است. برای این‌که آن‌ها خوب می‌دانند که اگر دانشگاه درخدمت آن‌ها باشد یعنی همه‌ی کشور درخدمت آن‌هاست. باید دانشگاه آگاه باشد. توجه داشته‌باشد به این نقشه‌ها. وجوان‌های عزیز دانشگاهی ما این‌ها توجه داشته باشند به این مسائل.که از دانشگاه است که می‌شود یک ملتی اصلاح بشود واز دانشگاه است که می‌تواند یک ملتی به تباهی کشیده بشود. این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است جوان‌های ما را یا به غرب می‌کشد یا به طرف شرق می‌کشد.وآن‌ها را از خودشان تهی می‌کند. و وجهه‌ی آن‌ها را متوجه به غرب و شرق می‌کند تا این‌که یا شرق غلبه کند و تمام جهات و تمام ایران را، شرق را وتمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه‌ی فرهنگ و چیزهای دیگری از ما بگیرند و به جای آن یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانندو ملت ما را به تباهی بکشند

امام (ره) خطر حمله و تهاجم فکری و فرهنگی شرق وغرب را برای همگان یادآور می‌شوند وآن را سم مهلک و خطرناک وباعث تباهی ملت می‌دانند. این وابستگی هم شامل دانشجویان، هم اساتید و هم متون درسی می‌شود.بسیاری از علومی که امروزه در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود مخصوصاً درحوزه‌ی علوم انسانی مبانی فکری و عقیده‌ی فلاسفه واندیش‌مندان غرب -این پیامبران مدرنیته- می‌باشد. واقعیت مسلم دیگر وابستگی فکری پاره‌ای از اساتید دانشگاه‌ها به مکاتب شرقی و غربی است که خواسته یا ناخواسته مروج اندیشه‌های آن‌ها می‌شوند. پاره‌ای ازدانشجویان نیز به تبع اساتید و با بهره‌مندی از آنان راه انحراف در پیش گرفته و خیل عظیم دانشجویان نیز خود نمی‌دانند که به کدامین راه می‌روند و در هاله‌ای از توهم فکری فلاسفه مدرن و راه راست حقیقت گرفتار آمده اند. هر کدام از این مقوله‌ها بررسی بیشتر و دقیق تری را می‌طلبد.

موضوع دانشگاه اسلامی ازهمان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی درکشورمطرح شد. این امر بسیار مهم و حیاتی ازهمان ابتدا ازاصلی‌ترین دغدغه‌های نیروهای دلسوزانقلاب به ویژه امام خمینی(ره) بود. به طوری که مروری برپیام‌های ایشان دراین باب به خوبی گویای این دغدغه است. دغدغه‌ای که پس ازگذشت سه دهه ازانقلاب هنوز میان روشن‌فکران ومسئولان انقلاب وجود دارد. وتاکنون متأسفانه هیچ اقدام مؤثری دراین راستا صورت نگرفته است. بی‌شک اهمّیّت تحقق بخشیدن به دانشگاه اسلامی واسلامی کردن علوم برکسی پوشیده نیست. اما دقت نظر درصحبت‌های بنیان‌گذار کبیرانقلاب اسلامی وجستجوی مفهوم علم ودانشگاه اسلامی درساحت اندیشه‌ی ایشان این اهمیت وضرورت را دوچندان می‌کند. امام خمینی(ره) مقصد دانشگاه ودانشجو را مقصد انبیاء می داند و می‌فرماید: «ما می‌خواهیم یک جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می‌شویم دریک دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی،اخلاقش نورانی،همه چیزش نورانی باشد.الهی باشد.پیروزی نه برای این است که مابرسیم به مثلاً یک آزادی. برسیم به یک استقلالی ومنافع برای خودمان باشد... این‌ها مقدمه است. همه‌اش مقدمه‌ی این است که یک ملت انسان پیدا بشود. یک ملتی که روح انسانیت درآن باشد پیدا بشود.تحول پیدا بشود درخوداشخاص. آن چیزی که مطرح است پیش انبیا انسان است.آن چیز، چیز دیگر نیست. انسان مطرح است پیش انبیا. صحیفه‌ی نور ۵۸/۳/۱۶»

حضرت امام (ره) مقصد انبیا را که دانشجویان را به پیمودن آنان فرا می خواند این چنین معرفی می کند: «تمام مقصد انبیا برگشتش به یک کلمه است وآن معرفت الله است... تمام. مقدمه این است. اگر دعوت به عمل صالح شده‌است. اگردعوت به تهذیب نفس شده‌است، اگردعوت به معارف شده‌است، تمام برگشتش به این است که آن نقطه‌ی اصلی را که در فطرت همه‌ی انسان‌ها هست .حجاب را ازش بردارند تا انسان به او رسد. و او معرفت حق است. مقصد عالی همین است. صحیفه امام ج۲».

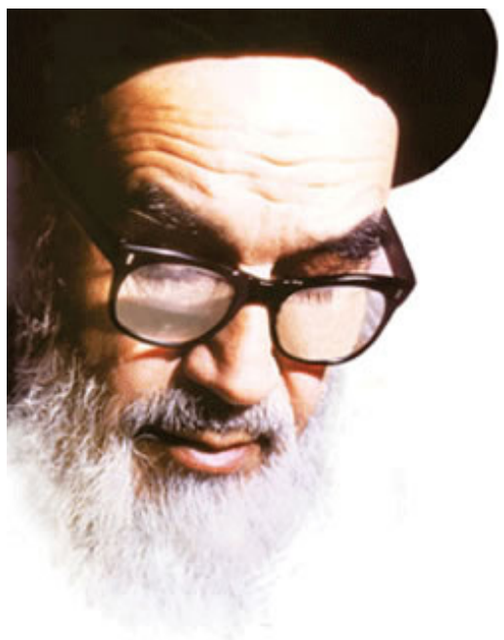

بنابراین به خوبی نمایان است که دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام دانشگاهی است که انسان به سوی الله رهنمون شود. وتسهیل کننده‌ی سیرمعرفت الله باشد. براین اساس است که امام(ره) ضمن نقد برداشت رایج ازعلوم انسانی که دردانشگاه‌هاتدریس می‌شود می‌فرماید: «آن معنایی که ازعلوم دانشگاه‌ها ما می‌خواهیم وآن معنایی که ازعلوم مدارس قدیمه ما می‌خواهیم، همین معنا نیست که درسطح ظاهر الان است. و متفکرین ما همان سطح را دارند در آن می‌کنند و بسیار هم ارجمند است کارهایشان. لکن آن‌که اسلام می‌خواهد این نیست. آن‌که اسلام می‌خواهد،تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد وچه علوم غیرطبیعی باشد، آنکه اسلام می خواهد ،آن مقصدی که اسلام داردراین است که این مهارشودبه علوم الهی وبرگشت به توحیدبکند. هرعلمی که جنبه الوهیت درآن باشد،یعنی انسان طبیعت راکه می بیند،خدارادرآن ببیند.ماده راکه می بیند،خدارادراو ببیند.آنکه اسلام برای اوآمده است برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الوهیت وتمام علوم طبیعی به علم الهی .وازدانشگاه ها هم همین معنی مطلوب است.صحیفه امام ج۸ ص۶».

ایشان درجای دیگرفرق بین دانشگاه اسلامی ودانشگاه غربی رااین چنین بیان می کنند«:فرق بین دانشگاه اسلامی ودانشگاه های غربی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه هاطرح می کند.دانشگاه های غربی به هرمرتبه ای هم که برسند،طبیعت رادراک می کنند،طبیعت رامهارنمی کنندبرای معنویت.اسلام به علوم طبیعی نظراستقلالی ندارد.تمام علوم طبیعی به هرمرتبه ای که برسندبازآن چیزی که اسلام می خواهد نیست.اسلام طبیعت رامهار می کندبرای واقعیت و همه را روبه وحدت و توحیدمی برد.تمام علومی که شما اسم می بریدوازدانشگاه های خارجی تعریف می کنیدوتعریف هم دارد،اینهایک ورق ازعالم است.آن هم یک ورق نازک ازهمه اوراق.صحیفه امام ج۸ ص۷»

بی گمان دانشگاه اسلامی تنها باتغییرظواهر وساختن مسجدوحسینیه وتشکیل تشکل های مذهبی یاوارد کردن تعدادی دروس دینی واسلامی ،اسلامی نمی شود. آن چیزی که بایدتغییر کند،محتوای آموزشی است که این دربیان امام نمایان است«آن چیزی که ملت هارامی سازدفرهنگ صحیح است.آن چیزی که دانشگاه هارابارور می کندکه برای ملت مفیداست،برای کشورمفیداست،آن عبارت ازآن محتوای دانشگاه است نه درس است. صنعت ماعدای ایمان،فسادمی آورد.علم ماعدای ایمان فسادمی آورد.«اذافسدالعالم،فسدالعالم».هرچه علم بیشترشد،فسادش هم بیشتراست.صحیفه امام ج۱۷ ص۱۱۴»

دانشگاه درابتدای انقلاب عرصه درگیری وفعالیت گروه های مختلف سیاسی بود.به طوری که ازهویت واقعی خود دورگشته بود.احزاب وگروه ها دردانشگاه ها اقدام به کارهای مختلفی ازجمله برگزاری گردهم آیی ها ،پخش نشریه وحتی تبادل اسلحه نیزمی کردند.این فضابه گونه ای پیش رفت که امام راحل (ره) ازدانشگاه به عنوان «اتاق جنگ»تعبیر کردند.اما نقطه عطف انقلاب فرهنگی وتحول دانشگاه ها صدورپیام امام به مناسبت حلول سال نودرتاریخ ۶فروردین ۵۹ بود.«تاکید برایجادانقلاب اساسی دردانشگاه های سراسرکشور»،«تصفیه اساتیدمرتبط باشرق وغرب»و«تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی»ازمهترین نکات بند ۱۱ این پیام است.

مقصود ازدانشگاه اسلامی برای بسیاری از افراد مبهم بود.لذاحضرت امام (ره) درسخنرانی مهمی که درتاریخ ۵۹/۲/۱ درجمع دانشجویان ودانش آموزان داشتند،مقصوداز اصلاح دانشگاه ها را تبیین می کنند. درمطالب بعد به مفاداین سخنرانی پرداخته می شود.

امام درتاریخ ۵۹/۳/۲۳ فرمان تشکیل شورای انقلاب فرهنگی راصادرنمودند.درفرمان خودباردیگر برضرورت تحول در دانشگاه ومحتوای آموزشی تاکیدکردند. بعدازآن چندباراین شورا بانظرامام ترمیم شد ودرنهایت درتاریخ ۱۹آذر ۶۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی باترکیب جدیدتشکیل شد.

امام راحل نه تنها درطول حیات بابرکت خویش دغدغه ایجاد یک دانشگاه اسلامی راداشتند بلکه دروصیت نامه خود نیز با اشاره به توطئه های دشمنان برای نظام تعلیم وتربیت به ملت ایران می فرمایند«:ازتوطئه های بزرگ آنان چنانچه اشاره شد وکرارا تذکرداده ام ،به دست گرفتن مراکز تعلیم وتربیت خصوصا دانشگاه هاست.که مقدرات کشورها دردست محصولات آنهاست.دردانشگاه نقشه آن است که جوانان راازفرهنگ وادب وارزش های خودی منحرف کنندوبه سوی شرق یاغرب بکشانندودولتمردان را ازاینان انتخاب وبرسرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می خواهند انجام دهند وکشور را به غارت زدگی وغرب زدگی بکشانند.»

اینکه پس ازسه دهه که ازانقلاب اسلامی می گذرد وهنوزهیچ اقدامی درزمینه اسلامی کردن دانشگاه ها انجام نشده وهنوز شاهدریزش نسل جوان وپاک درجولان اندیشه‌های انحرافی و التقاطی هستیم،سؤالی است که متولیان امرباید به آن پاسخ دهند.

---

۲ کدخبر: ۱۳۵۲

در سومین نشست شورای حفاظت از منابع آب مطرح شد: چراغ سبز مدیران برای تصرف اراضی رودخانه بشار

سومین نشست شورای حفاظت از منابع آب در حالی به ریاست مجید محنایی معاون امور اقتصادی استانداری کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد که به دلیل عدم اطلاع‌رسانی درست برخی از مدیران دستگاه‌های مختلف از برگزاری چنین جلسه‌ای اطلاع نداشتند و در حین برگزاری نشست توسط معاون امور اقتصادی استاندار دعوت شدند.

در نشست شورای حفاظت از منابع آب مصوبات دومین نشست شورا بررسی شد که برخی از مصوبات همچنان بر روی کاغذ مانده بودند و هیچ ترتیب اثری برای عملیاتی کردن این مصوبات داده نشده بود.

علی لطفی مدیرعامل آب منطقه‌ای کهگیلویه وبویرحمد اظهار کرد: با توجه به کاهش منابع آب لازم است الگوی کشت دراز مدت و کوتاه مدت تعریف شود.

وی با بیان اینکه میزان بارندگی استان در دراز مدت ۳۰ درصد کاهش داشته است، بیان کرد: ۶۰ درصد از روان آب‌های سطحی استان کم شده است، ضمن اینکه ذخیره آب سد مخزنی کوثر از ۴۸۰ میلیون متر مکعب به بالغ بر ۳۰۰ میلیون متر مکعب کاهش یافته است که از یک تا ۲۰ متر افت منابع آب در سدهای استان وجود دارد.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد در خصوص فاضلاب و پساب بیمارستان امام سجاد(ع) شهر یاسوج افزود: محدودیت‌های اعتباری موجب شده تاکنون فاضلاب بیمارستان امام سجاد(ع) ساماندهی نشود.

* چراغ سبز مدیران برای تصرف اراضی رودخانه بشار

همچین حسین کاظمی مدیرکل دفتر فنی استانداری کهگیلویه و بویراحمد با بیان اینکه دفتر فنی عضو شورای حفاظت از منابع آب نیست، تصریح کرد: مصوبات این شورا مصوبات خوبی هستند اما سوال اینجاست که این مصوبات چقدر اجرایی و عملیاتی می‌شود.

مدیرکل دفتر فنی استانداری کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به اینکه مصوبات جلسات تنها روی کاغذ می‌مانند، بیان کرد: جاده پارک ساحلی رودخانه بشار که توسط شهرداری ساخته شده که حدود ۲۰۰ متر از این جاده با طرح تفضیلی مغایرت دارد و باعث شد بخش زیادی از رودخانه بشار از دست برود.

وی به تصرف اراضی رودخانه بشار انتقاد کرد و گفت: ۷ هکتار از اراضی مستعد رودخانه بشار تصرف شده و به شالی‌کاری اختصاص داده شده است.

این مسئول عنوان کرد: ۱۰۰ هکتار از اراضی رودخانه بشار ظرف چند سال اخیر از تصرف خارج شده اما با چراغ سبز برخی مدیران این زمین‌ها مجددا تصرف شدند که در کارگروه مبارزه با زمین‌خواری این مورد بررسی می‌شود.

کاظمی با اشاره به زیباسازی رودخانه بشار گفت: برنامه‌ریزی خوبی برای زیباسازی حاشیه رودخانه بشار صورت گرفته است. وی به مشکلاتی که پارک غدیر در آینده ایجاد می کند اشاره کرد و افزود: پارک غدیر شهر یاسوج آماده بهره‌برداری است اما اگر باران ببارد پارک غدیر را آب با خود می‌برد و با توجه به اینکه در بستر رودخانه بشار احداث شده لازم است دیوار حفاظتی برا این پارک دیده شود تا در آینده مشکل آفرین نشود.

فارس

---

۳ کدخبر: ۱۳۵۳

مسئول کمیته امداد امام خمینی (ره) لیکک: ۱۳۵ دانشجوی لیککی، زیر پوشش کمیته امداد قرار دارند

مسئول کمیته امداد امام خمینی (ره) لیکک از ارائه خدمات حمایتی به ۱۳۵ دانشجوی این شهرستان خبر داد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجو از یاسوج، حیدر خداپرست صبح امروز در جمع خبرنگاران از پرداخت شهریه دانشجویان زیر پوشش کمیته امداد شهرستان لیکک خبر داد و گفت: یکی از گروه های هدف کمیته امداد، دانشجویان و دانش آموزان هستند که در طول سال برنامه های مختلف فرهنگی و حمایتی را برای آنها در نظر گرفته ایم.

وی افزود: مشاوره تحصیلی با همکاری آموزش و پرورش، دانشگاه علوم پزشکی، سازمان مبارزه با مواد مخدر و سازمان تبلیغات اسلامی در طول سال به دانشجویان، دانش آموزان و خانواده های آنها ارائه می شود و علاوه بر آن برنامه های جامع فرهنگی در راستای ارتقای سطح سلامت فکر و روح این گروه صورت می گیرد.

مدیر کمیته امداد شهرستان لیکک از پرداخت شهریه دانشجویان زیر پوشش این نهاد در ترم جدید تحصیلی خبر داد و گفت: ۱۳۵ دانشجوی شهرستان بهمئی، از خدمات حمایتی کمیته امداد بهره مند می شوند که این افراد کمک هزینه شهریه دانشگاه خود را از کمیته امداد دریافت داشته و به حساب دانشگاه واریز کردند.

خداپرست ادامه داد: بیش از ۴۴۰ میلیون ریال صرف پرداخت شهریه این دانشجویان شد که در دانشگاه های آزاد و پیام نور مشغول به تحصیل می باشند.

روزنامه جوان
ویژه کهگیلویه و بویراحمد
سال اول | شماره سیزدهم
سه شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۴
۲۲ ذیحجه ۱۴۳۶
ویژه نامه
دانشگاه و دانشجو

کدخبر: ۱۳۵۴

۴

به همت ناحیه مقاومت بویراحمد صورت گرفت: راه‌اندازی بازارچه دائمی اقتصاد مقاومتی در یاسوج

بازارچه دائمی اقتصاد مقاومتی یاسوج به همت ناحیه مقاومت بویراحمد راه‌اندازی شد.

به گزارش جوان به نقل از فارس با حضور سردار یدالله بوعلی نمایشگاه اقتصاد مقاومتی افتتاح شد.
داریوش مثنوی در این مراسم با بیان اینکه شاکله اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری بحث حمایت از تولید داخلی است، گفت: تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند اقدامات و برنامه‌های کوتاه، میان و بلندمدت است و فرمایشات مقام معظم رهبری در راستای استمرار این رویکرد است.
فرمانده ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بویراحمد از اقتصاد مقاومتی به عنوان تنها راه مقابله با مشکلات اقتصادی سخن به میان آورد و گفت: اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار در دنیا توسط مقام معظم رهبری بیان شد.
مثنوی تاکید کرد: برای مقابله با مشکلات اقتصادی در کشور راهی جز توسل به اقتصاد مقاومتی وجود ندارد و همه باید برای نهادینه کردن این نوع اقتصاد در برابر بحران‌ها به وظیفه خود عمل کنیم.
وی در ادامه با تاکید بر اینکه از اولویت‌های ما در اقتصاد توجه به اقتصاد مقاومتی است، گفت: ناحیه مقاومت شهرستان با تشکیل تعاونی در راستای اجرایی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در شهرستان بویراحمد گام برداشته است.
فرمانده ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بویراحمد ادامه داد: در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قریب به سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات در بخش اقتصاد مقاومتی به متقاضیان ارائه دادیم.
مثنوی با بیان اینکه نمایشگاه اقتصاد مقاومتی در ۵ باب مغازه دایر شده است، گفت: تولیدات این نمایشگاه تولید شهرستان بوده که تسهیلات اقتصاد مقاومتی بسیج سازندگی را دریافت کردند.
فرمانده ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بویراحمد با تاکید بر اینکه نمایشگاه اقتصاد مقاومتی یاسوج به صورت دائمی دایر است، گفت: این نمایشگاه صنایع غذایی، بلدرچین، مرغ و صنایع دستی تولید جوانان این خطه را با ۳۰ تا ۳۵ درصد تخفیف به نسبت قیمت بازار عرضه می کند.

کدخبر: ۱۳۵۵

۵

مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه یاسوج: مجلس، مقتدرانه با ساختار شکنی ظریف برخورد کند

مسئول سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه یاسوج، حرکت ظریف در سازمان ملل را زیر پا نهادن آرمان های انقلاب در سیاست خارجی دانست و گفت: مجلس شورای اسلامی با اقتدار با این ساختار شکنی ها برخورد کند.

به گزارش جوان کامران محمدی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجو در یاسوج، با اشاره به دست دادن ظریف با اوباما در سازمان ملل گفت: دست دادن ظریف با هر توجیهی که باشد، خارج از چهارچوب دیپلماسی انقلاب اسلامی بود و باید پاسخگوی این حرکت خود باشد.
وی افزود: زیر پا گذاشتن عرف، اصول و آرمان ها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برخورد با شیطان بزرگ، بدون قصد و غرض نبوده و بیان کننده بخشی از برنامه دولت در ارتباط با آمریکا و شیطان بزرگ است.
مسئول سیاسی بسیج دانشجوی دانشگاه یاسوج تلاش برخی افراد دولت برای نزدیک شدن به دولت شیطان بزرگ را یکی از سیاست های این دولت دانست و گفت: با این اعمال قصد دارند قبح رابطه با آمریکایی که بیشترین خیانت را نسبت به کشورمان روا داشته و در بین مردم به عنوان اولین دشمن شناخته شده است، شکسته شود.
وی افزود: اگر دولت تمام تلاشش را برای نزدیک شدن به دولت شیطان بزرگ هم انجام دهد، ملت اجازه نخواهد داد و این ملت ایران است که از فراموشی خیانت ها و خباثت های شیطان بزرگ کوتاه نمی آید؛ هر چند برخی دولتمردان آرزوی دست دادن به آمریکایی ها را داشته باشند.
محمدی با اشاره به لزوم توجه مجلس به مصلحت کشور در موارد مختلف گفت: نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان ملتی که از این اقدام ساختار شکنانه و مخالف با آرمان های انقلابی ایران، ناراضی هستند، مقتدرانه وارد میدان شده و به نمایندگی از موکلین خود با ساختار شکنی جناب ظریف و دولت برخورد کنند.
وی افزود: همان گونه که پس از موضع گیری رهبر انقلاب در خصوص واقعه منا، دولت و حکومت عربستان از مواضع بی ادبانه خود کوتاه آمدند، سیاسیت خارجه ما باید مبتنی بر عزت و مصلحت انقلابی مان باشد و از هر گونه ذلت در برابر بیگانه باید خود داری شود.

فاطمه شریعتی eqtesad.javan.kvb@gmail.com

اقتصاد

کدمطلب: ۱۳۴۱

اقتصاد و نقش دانشگاه

■ ارتباط صنعت و دانشگاه با توجه به میزان تأثیرگذاری آن در فرایند توسعه‌ی دانش‌محور و پایدار در طول تاریخ مورد توجه عموم صاحب‌نظران به خصوص سیاست‌گذاران قرار گرفته و بحث‌های متعددی نیز درباره ابعاد این ارتباط مطرح شده‌است. اگر در گذشته نیازی به برقراری رابطه بین این دو نهاد جامعه احساس نمی‌شده ولی امروز الزام ایجاد چنین ارتباط و تعاملی بین این دو نهاد، بیش از پیش آشکار شده‌است. تربیت نیروی متخصص و کارآمد از یک طرف و اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان دانشگاه از سوی دیگر مسائلی است که در این زمینه ذهن آدمی را به خود مشغول می کنند. جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای در حال توسعه نیازمند رشد و توسعه‌ای متوازن و هماهنگ است تا در سایه آن بتواند زندگی بهتر و توأم با رفاه و آرامش بیشتر برای اعضاء خود فراهم آورد. با توجه به اهمیت این موضوع گفتگویی را با یکی از دانشجویان صاحب‌نظر دانشگاه یاسوج برقرار کردیم. متن این گفتگو در زیر آمده است.

نقش دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و فناوری ما در تولید ثروت و ارزش آفرینی برای کشور چیست و چه باید باشد؟

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی از اسم‌شان مشخص است که فی‌نفسه محل تولید می باشد...تولید می‌تواند در حوزه‌هایی همچون دانش، ثروت، خلاقیت و... موجود باشد. دانشگاه ابعاد مختلفی دارد که یکی از این‌ها می‌تواند بعد ظرفیتی و استعداد طلبی آن باشد... برای به پرواز در آوردن این پروانه‌ی در پیله می‌بایست فضاسازی کرد... فضاسازی‌ای از جنس توجه و هزینه... توجه کردن به پایان نامه‌ها، طرح‌ها و ایده‌های دانشجویی که شاید در ابتدا بی‌ارزش، پوچ، خالی و یا ماورایی به نظر برسد اما با بها دادن به این نهال تازه ریشه دوانده می‌توان بعدها میوه‌های فراوانی برداشت کرد که بهترین میوه‌ی آن پیش‌رفت درون‌زای کشور می‌باشد

سال‌هاست که از فقدان رابطه‌ی صحیح میان دانشگاه و صنعت در ایران صحبت می‌شود. نظر شما درباره‌ی حلقه مفقوده‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه چیست؟

بینید، این رابطه یک رابطه ی دو طرفه است که حلقه‌ی اتصال این دو رابطه توجه و مهم‌تر از آن اعتماد است. این اعتماد وجوه مختلفی دارد که اصلی‌ترین آن احساس نیاز دوطرفه است. احساس نیاز صنعت به خاطر در آمدزایی، بومی‌سازی، اشتغال‌سازی و مهم‌تر از همه تحریم‌ها می باشد. احساس نیاز دانشگاه که همان احساس نیاز دانشجو است هم ورود دانشجو به بحث ورود به صنعت و درآمدزایی می‌باشد... حال که با فضاسازی هر دو احساس نیاز کردند باید به این احساس پاسخ داد و این پاسخ را باید دولت با برگزاری جشنواره‌ها ی متعدد و امتیاز دادن به برترین‌های این جشنواره و معرفی آن به صنعت بدهد.

به نظر شما دانش‌بنیان شدن اقتصاد، چگونه می‌تواند گره ارتباط صنعت و دانشگاه را باز کند؟

در واقع با دانش‌بنیان شدن اقتصاد، اقتصاد مقاومتی نیز عملی شده و این امر باعث پیش‌رفت درون‌زای کشور و بی‌تاثیر شدن تحریم‌ها می‌شود.

آیا به نقش راهبردی تجاری‌سازی در تحقیقات دانشگاهی در اقتصاد دانش‌بنیان معتقدید؟ دانشگاه یاسوج در این زمینه چه اقداماتی داشته است؟

بله. دانشگاه یاسوج هم اقداماتی داشته اما جای بسیار زیادی برای پیش‌رفت دارد که امیدوارم مسئولین بها دهند.

در ارتباط صنعت و دانشگاه چه سازوکارهایی عموماً موفق‌ترند؟ نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی یا نهادهای شبه دولتی. نقش هر کدام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من «که شاید نظری اشتباه باشد» ابتدا باید شرکت‌های دولتی پا پیش بگذارند تا با آزمون امتحان و خطا و شاید تحمل شکست‌ها تجربه‌های زیادی کسب کرده و در اختیار سایر شرکت‌ها قرار داده تا سایر شرکت‌ها هم به خاطر منفعت مالی پا پیش بگذارند و با شتاب بیشتری به سمت پیش‌رفت درون‌زا حرکت کنیم.

چه انتظاراتی از دانشگاه‌ها در توسعه‌ی اقتصاد دانش‌بنیان و ارتباط میان صنعت و دانشگاه وجود دارد؟

در سال‌های اخیر هم شاهد سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها بوده که برای دیدن نتیجه نباید زیاد عجله کرد و باید منتظر ماند اما هر چه که امروز بیشتر بها بدهیم فردا در بحث اقتصاد موفق‌تر خواهیم بود.

سیدعلی محمدی Salim_110@yahoo.com

اجتماعی

کدمطلب: ۱۳۴۲

فرهنگ کار ضعیف ما(۴) -قابل تغییر یا غیر قابل تغییر

الاهیات کار در اسلام از منظر مردم شناختی

■ در بخش فرهنگ کار در دین یهودی-مسیحی یادآور شدیم که ماجرای آفرینش آسمان و زمین در سفر پیدایش با استراحت خداوند در روز هفتم به پایان می رسد. این ماجرا شباهت زیادی با متون اسلامی دارد. در این جا دقت بیشتری در قران کریم خواهیم کرد تا متوجه تفاوت های این دو روایت مشابه نیز شویم.
در قران کریم نیز خداوند آسمان ها و زمین را در ۶ روز یا مرتبه می آفریند اما در روز هفتم بر خلاف خدای مسیحی-یهودی به استراحت و شادمانی نمی پردازد، بلکه:
هوَالَّذی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ...(سوره حدید، آیه ۴)
اوستَ که آفرید آسمان ها و زمین را در ۶ روز سپس مستوی شد بر عرش...
می‌بینیم که خدا در روز هفتم چنان که خدای یهودی-مسیحی کرد نه تنها به استراحت نمی پردازد بلکه شروع به کار بزرگ‌تری می کند و به تدبیرعالم می‌پردازد.
در قران نیز آدم و هوا به زمین هبوط می کنند همچنان که در روایات یهودی-مسیحی آمده است در این‌جا اما زمین محل رنج و عذاب نیست بلکه مکان آسایش و امتحان است. چنان که در سوره نباء، آیه ۶ می فرماید:
«أَلَمْ نَجْعَلِ الأَرْضَ مِهَادًا»
آیا زمین را مهدآسایش خلق نکردیم؟
در روز هفتم یهودیان نیز به پیروی از خدای خود به استراحت می پردازند و جنبه‌ی آیینی آن‌چنان قدرتمند شد که هر کاری در روز سبت (آخر هفته) تعطیل شد. اما همین روز آخر هفته در فرهنگ اسلامی نه تنها تعطیل نشد بلکه به کار توصیه نیز شده است. چنان که قران در آیات ۹ و ۱۰ سوره‌ی جمعه می فرماید:
یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاةِ مِن یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَی ذِکْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ(۹) فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیرًا لَّعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ(۱۰)
ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه شما را برای نماز روز جمعه بخوانند (فی الحال) به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که اگر بدانید این برای شما بهتر خواهد بود و آن‌گاه که نماز پایان یافت (باز پی کسب و کار خود) در زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار گردید.
خداوند در حدیثی قدسی فرموده است که:
یا احمد ان العبادة عشرةُ اجزاء، تسعةٌ منها طلبُ الحلال(الدیلمی،ج ۱ : ۲۰۳/النوری الطبرسی، ج۱۳: ۲۰): ای احمد همانا عبادت ده جز دارد که نه جز آن طلب روزی حلال است.
و البته باز در جای دیگر حضرت رسول (ص) می فرمایند: العبادةُ سبعونَ جزءً، افضلها جزءُ طلب الحلال(الحر العاملی، ج۱۲: ۱۳): عبادت هفتاد قسمت است که برترین قسمت آن کار کردن در طلب حلال است.
و ایشان در جایی دیگر می فرمایند که:
ان الله التعالی یحبُ العبدَ المومنَ المحترِف(الکلینی ۱۳۸۸ ق، ج۵: ۱۱۳) به درستی که خداوند متعال بنده ی مومن پیشه‌ور را دوست دارد.
هم‌چنین از بیکاره‌گی و سربار دیگران شدن بسیار اظهار تنفر کرده اند چنان که می فرمایند:
ملعونٌ ملعونٌ من القی کله علی الناس(الکلینی،۱۳۸۸ ق، ج ۴: ۱۲): ملعون است، ملعون است آن کس که خود را سربار دیگران کند. می‌بینیم که خدای زرتشتی و خدای اسلامی خستگی‌ناپذیرند و کارشان و کار مخلوقات‌شان نیز تعطیل ناپذیراست. در روایات مختلف اسلامی و زرتشتی کاهلان نکوهیده شده‌اند و کوشایان‌اند که مورد ستایش‌اند آباد کردن زمین و قرار گرفتن در جبهه‌ی اهوراییان و مبارزه با باطل در کنه معرفت دینی پیروان چنین دین‌هایی قرار دارد و یک دم غافل شدن و از پای نشستن در چنین مواجهه‌ای گناهی نابخشودنی است. در زرتشتی گری دست از کار شستن کمک به اهریمنیان است و در تشیع دست از کار شستن دوری از انتظار است و تنها گذاشتن امام زمان(عج) است. در چنین دین‌هایی زمین شکنجه گاه نیست و آباد کردن زمین شکنجه نیست. زمین محل آسایش است و آباد کردن زمین عین عبادت است. می‌بینیم که بزرگان دین اسلام و زرتشت چگونه مؤمنان به خود را به کار و تلاش فرا می‌خوانند و کسب روزی را از لوازم ایمان و آخرت بر می‌شمارند.
از آن‌جایی که در فلسفه‌ی ارسطویی و متعاقباً دین یهودی-مسیحی، کار امری عرضی است بنا براین خدای این ادیان نیز در پایان روز ششم به استراحت و در کردن خستگی می‌پردازد. البته این سخنان بدین معنی نیست که در آیین یهود و مسیحیت کار سفارش نشده‌است و یا تنبلی تقبیح نشده است. بلکه منظور اشاره به بن‌مایه های فرهنگ کار در این دو حوزه ی فکری است. جالب است بدانیم که مسیحیان در قرون اخیر مدام بر میزان کار و کوشش خود افزوده اند و به تناسب همین قوت گرفتن فرهنگ کار نیز الاهیات غنی‌تری ارائه کرده اند. اما ما ایرانیان با چنین سابقه در فرهنگ کار و با چنین الاهیات کار غنی در دو قرن اخیر روز به روز از کار و سازندگی خود کاسته‌ایم. و هم‌چنان که می‌دانیم و می‌بینیم بسیاری از مسیحیان غربی از ما در فرهنگ کار جلوتر هستند.

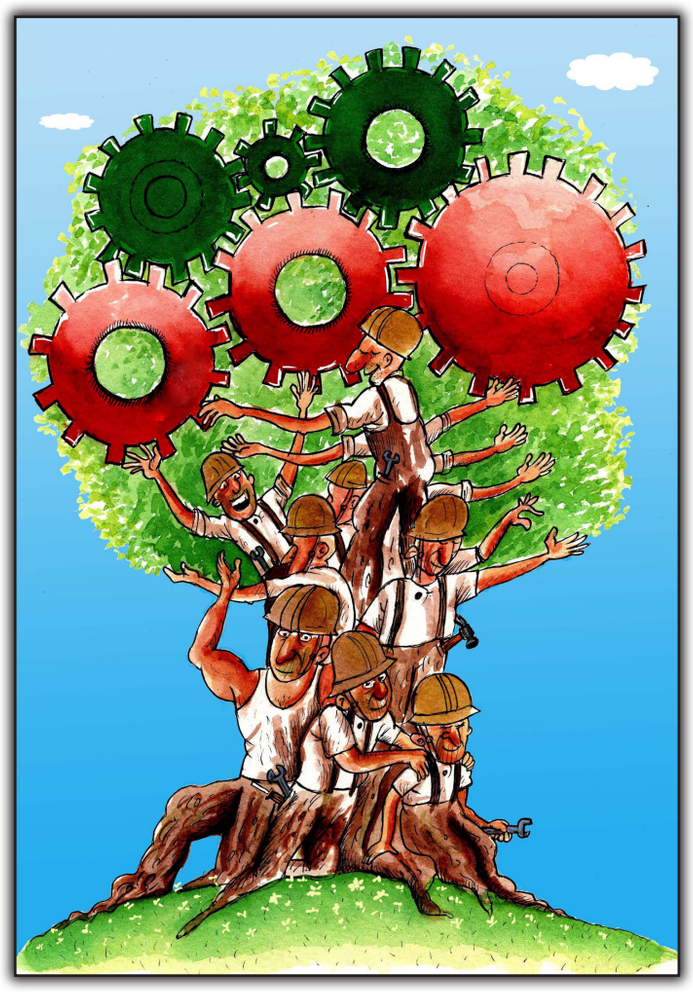

کدخبر: ۱۳۵۶

۶

نویسنده کتاب برگزیده سه سالانه دفاع مقدس: کار متولیان فرهنگی در حوزه کتاب قابل قبول نیست

نویسنده کتاب برگزیده سه سالانه دفاع مقدس، با انتقاد از نوع نگاه متولیان فرهنگی به حوزه کتاب گفت: متولیان فرهنگی در حوزه کتاب کار قابل قبولی انجام نداده اند.

به گزارش جوان به نقل از خبرگزاری دانشجو محمد محمودی نورآبادی، در جمع دانشجویان دانشگاه فرهنگیان یاسوج به شیوه نگارش کتاب های «رنج»، «سرریزون» و دیگر کتاب های دفاع مقدسی خود، گفت: من به عنوان یک نویسنده ایلیاتی و عشایر زاده در کتاب هایم سعی کردم هیچ گاه از هویتم جدا نشوم و در همه آثارم ایل و عشایر رنگ و بوی خاص خود را داشته باشد.
نویسنده رمان برگزیده رُنج افزود: قوم من و مردم عشایر سهم بسزایی در دفاع مقدس داشته اند که در میان کتاب های این حوزه گم شده و کمتر کسی به آنها می پرداخت؛ به همین دلیل من در نوشته هایم از ایل و عشایر جدا نشدم.
محمودی ادامه داد: نگرانی من از این موضوع بود که چند سال دیگر که همه رزمندگان و یادگاران دفاع مقدس از میان مردم رخت بر بندند، هیچ نشانه ای از حضور عشایر در دفاع مقدس به جای نماند.
این نویسنده دفاع مقدس در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان که از وی در خصوص نوشتن در باره یمن و مسلمانان مظلوم دیگر نقاط جهان پرسیده بود، گفت: یکی از دغدغه های همیشگی من نوشتن از مردم مظلوم یمن و سایر مسلمانان جهان است به همین دلیل هم کتاب شام برفی را در باره سوریه نوشته ام و موفقیت خوبی هم کسب کرد.
وی به نوع نگاه و زاویه دید متولیان فرهنگی اشاره کرد و گفت: متولیان فرهنگی در بیشتر دولت ها، کار قابل قبولی در حوزه کتاب، توزیع و ترجمه آن انجام نداده اند که یکی از دلایل نا شناخته ماندن ادبیات ما در بین کشورهای دیگر است.

کدخبر: ۱۳۵۷

۷

از اقدام دادستان یاسوج برای مبارزه با زمین‌خواری حمایت می‌کنیم

بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد یاسوج در نامه‌ای سرگشاده به دادستان مرکز استان، ضمن حمایت از اقدام وی در مبارزه با زمین‌خواری، آورده است: اکنون جامعه دانشجویی خواستار شروع اقدامات عملی هستیم.

خبرگزاری دانشجو - بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد یاسوج در نامه ای سرگشاده به دادستان این شهر، از اقدام انقلابی وی در مبارزه با زمین خواری های یاسوج، تقدیر کرده و آورده است: جامعه دانشجویی و خصوصا بسیج دانشجویی به عنوان قشر فعال و آرمانخواه و مطالبه گر، از اراده جنابعالی و همکاران برای این این امر مقدس به جد حمایت کرده و خواستار شروع اقدامات عملی هستیم.
پیرو صحبت ها و موضع گیری شجاعانه و مسئولانه جنابعالی در رابطه با عزم جدی مبارزه با زمین خواری و جرائم اجتماعی برخود لازم می دانم که ضمن قدردانی از مواضع مسئولانه و پیگیری های مداوم جنابعالی و همکارانتان نکاتی یادآوری گردد.
اولا در رابطه با صحبت های ارائه شده و اقدامات صورت گرفته صدای عدالت را بار دیگر از مسئولان دلسوز و خدوم شنیدیم و بر همگان آشکار گردید که در این گیر و داد جناح بندی، مبارزه با مفاسد و جرائم اجتماعی به ویژه معضل فراگیر زمین خواری که مرتکبین این جرم در اوج خیانت به ملت،همیشه احساس امنیت می کردند، ادامه دارد. اگرچه تشکر و حمایت ما از اعلام موضع مقتدرانه یک دادستان انقلابی همیشگی بوده و خواهد بود؛ اما آنجا که به صراحت فرمودید بعضی راهنمایی های اداری و بهتر بگوییم رانت های اداری در دستگاه های مختلف و متعدد استان خصوصا ادارات مرتبط با موضوع طبیعت و زمین ها، همواره یکی از دلایل عمده زمین خواری و در واقع ویژه خواری عده ای خاص و محدود و معلوم الحال، می باشد، از مواردی است که متاسفانه مدت هاست کمتر از مسئولین امر به گوش می رسد.
امیدواریم که آغاز یک مبارزه جدی، انقلابی و مقتدرانه را علیه این پدیده شوم شاهد باشیم که رویکرد جنابعالی و مقام محترم دستگاه قضایی استان از بدو ورود چنین بوده و ان شاء الله تا پایان هم همین خواهد بود.
ثانیا به مسئولان هم استانی باید گوشزد شود که عمل به وظایف، تکلیفی بس سنگین است که جز با خداشناسی و محبت به مردم هیچکس از عهده آن خارج نخواهد شد و این عزیزان بدانند که مردم فهیم ما عملکرد آنان را رصد می کنند و در زمان لازم به مسائل ورود پیدا کرده و اعلام موضع خواهند کرد، چنان که در رابطه با برخورد با ناهنجاری های اجتماعی که موجب سلب آسایش و امنیت عمومی می گردید با استقبال کم نظیر مردمی مواجه شدیم.

ثالثا لازم است که چنین مسائلی در جامعه دانشگاهی که مبدا همه تحولات است مورد توجه صاحب نظران قرار گیرد و نخبگان ما در دانشگاه نسبت به مطالبات فراگیر مردمی ساکت ننشینند و ضمن معرفت و شناخت جامع به مسائل ملی و ارائه راه حل، راه را برای مسئولان خدوم و دلسوز هموار سازد.

از آنجا که نظیر چنین موضعی قبلا از طرف استاندار محترم استان با صراحت هم اعلام شده بود و مورد استقبال جامعه دانشگاهی قرار گرفت، اکنون جامعه دانشجویی و خصوصا بسیج دانشجویی به عنوان قشر فعال و آرمانخواه و مطالبه گر، از اراده جنابعالی و همکاران محترمتان برای این این امر مقدس به جد حمایت کرده و خواستار شروع اقدامات عملی هستیم.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: سید مسعود پرهیزگاری
آدرس سرپرستی: یاسوج، فلکه ساعت، باجه مطبوعاتی روزنامه همشهری، دفتر سرپرستی روزنامه جوان
سرپرست توزیع استان: پراهام

همکاران این شماره:
سید مسعود پرهیزگاری، مهدی دلبند، سیدعلی محمدی، سیدسعید هاشمی، کرم‌ا... بهزادی، مرتضی رستگار فرد، فاطمه شریعتی، سیده زینب پرهیزگاری
مسئول سایت: سیدحمید فتحی سوق
طراح: احمد رضا خواست خدایی
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان
وب سایت: www.kvb-Javan.ir
ایمیل: kvb.Javan@gmail.com

| روزنامه جوان ویژه کهگیلویه و بویراحمد |
| سال اول | شماره سیزدهم | سه شنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۴ | ۲۲ ذیحجه ۱۴۳۶ |

سلفی!

خط امام(ره)

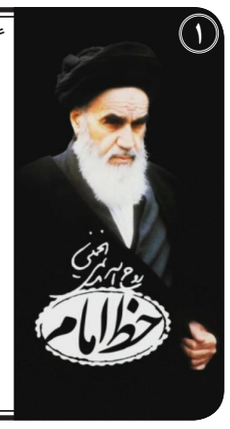

الآن یک جریانی در کار است -من الآن نمی‌خواهم اشخاص هیچ صحبتش بشود- اما جریانی هست در کار که اگر کسی توجه بکند به مسائلی که در این اواخر هی پیش آوردند، در روزنامه‌های مختلف پیش آوردند، یک جریانی در کار است که آن جریان انسان را از این معنا می‌ترساند که بخواهد به طور خزنده این کشور را باز هل بدهد طرف آمریکا؛ بخواهند از این راه پیش بروند. و این یک مسئله‌ای است که به قدری اهمیت دارد در نظر اسلام و باید آن قدر اهمیت داشته باشد ... . اگر احتمال این را بدهید، باید مقابلش بایستید، نه این که اول یقین کنید به اینکه مسئله این طوری است. بعضی چیزهاست که اگر انسان احتمالش را بدهد، یک احتمال صحیحی بدهد، باید دنبال کند او را و به آن اعتراض کند. شما اگر احتمال بدهید -یک احتمال درستی- که یک ماری الآن توی این اتاق [هست] پا می شوید می روید بیرون؛ احتراز از آن می کنید.

صحیفه امام ج ۱۴ ۴۳۷

ترین هفته

کد مطلب: ۱۳۴۱

فرهنگی‌ترین اقدام‌های هفته

■ برپایی نمایشگاه هفته دفاع مقدس در تل‌خسرو، بهترین اقدام فرهنگی بود که در هفته گذشته در استان اتفاق افتاد و با استقبال خوبی از سوی مردم مواجه شد.

■ بازسازی واقعه غدیر خم در شهرستان لنده از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی استان طی هفته گذشته بود که جا دارد از بانیان این حرکت تقدیر شود.

پیشنهادِ «ترین های هفته» مد نظرتان را برای درج در هفته‌نامه جوان استانی به پل‌های ارتباطی ما ارسال کنید.

www.kvb-Javan.ir
kvb.Javan@gmail.com

سیدمسعود پرهیزگاری
s.m.parhizgari@gmail.com

کتاب

کد مطلب: ۱۳۳۲

معرفی کتاب مجنون پرواز

معلم شهید کرامت الله ایزدپناه

به روایت همسر شهید

■ تألیف: شفق ایزدپناه

این کتاب که به معرفی شخصیت معلم شهید کرامت الله ایزدپناه می پردازد، در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات رخشید شیراز و با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان منتشر شد.

این کتاب دارای یک مقدمه بوده و خاطرات همسر شهید از وی، سخنرانی‌های شهید در دوران انقلاب اسلامی و اسناد و مدارک مربوط به فعالیت‌های انقلابی شهید از جمله مطالبی است که در چهار فصل در این کتاب گردآوری شده است. شهید «ایزدپناه» نخستین کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در استان کهگیلویه و بویراحمد بود و در جریان انقلاب اسلامی ایران فعالیت های بیادماندنی و تاثیرگذاری را از خود به یادگار گذاشته است که مجموعه سخنرانی های وی به عنوان گنجی معنوی می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در بخشی از فصل سخنرانی و یادداشت‌ها می‌خوانیم: «همیشه خواسته‌ام در راه خدا و برای جلب رضایت خدا حرکت کنم. در راه بودم و برای مردم، همانا که راه خدا از میان مردم می گذرد. از نظر مکتب انبیاء نمی‌شود که مردم را رها کرد و به عیش و نوش پرداخت یا به انزوا رفت. وقتی جامعه را در پیکار حق و باطل رها کنی چه به شراب ایستاده باشی چه به نماز، فرقی نمی کند. وقتی که حسین زمان، خمینی زمان را تنها بگذاری و به انزوا بروی هیچ فرقی نمی کند که به شراب ایستاده باشی یا به نماز.»

این کتاب در ۷۰ صفحه و با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر شد که برای دریافت آن می توانید به پاتوق کتاب یاسوج مراجعه نمایید.

دل‌نوشته

کد مطلب: ۱۳۳۳

مجنون پرواز

■ یک روز کرامت می خواست به مسجد حبیب شیراز برود به او گفتم: «چطور نگران برادرت، نیرعلی نیستی ؟! حداقل سراغی ازش بگیر، ببین کجاست.» دو سه شب قبل برادرش نیرعلی را، ساواک دستگیر کرده بود و امیر و فرامز همگی ناراحت وضعیت نیرعلی بودند، ولی کرامت خونسرد بود و می گفت: نیرعلی پای هدفش دستگیر شده، او در حال مبارزه است، خودم تحت تعقیبم، بذارین یک روز بیشتر برای انقلاب کارکنم.

همیشه این جمله ی دکتر شریعتی را که؛ آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که مانده‌اند باید کاری زینبی کنند وگرنه یزیدی‌اند. در همه‌ی سخنرانی‌هایش تکرار می کرد.

به طبقه مستضعف خیلی اهمیت می‌داد. می گفت هیچ رهبری در هیچ انقلابی به پیروزی نرسیده مگر این‌که مستضعفان و عامه، همراهی‌اش کرده‌باشند و آن‌ها هستند که از دست جور زمانه به ستوه آمده و قیام کرده‌اند. مستضعفان باید بیدار شوند و آزاد زندگی کنند و حق‌شان را از اجتماع بگیرند. برده و بنده نباشد. مستضعف باید رشد کند و به پیش‌رفت و تکامل برسد.

در بین ۱۴ نفری کاندیدای شهیر شهر مقام اول را کسب کرد. به خاطر این که آراء به حد نصاب نرسید، انتخابات به میان‌دوره‌ای کشیده شد. بعد از شش ماه دوباره انتخابات برگزار شد. مردم برای انتخابش به نمایندگی مجلس شورای اسلامی بیش از پیش به او اقبال نشان دادند. هم‌زمان با انتخابات میان دوره‌ای، جنگ ایران و عراق هم شروع شد. کرامت می گفت: «وظیفه و عشقم جهاد در راه خداست. اجازه نمی دن برای رضای خدا کار کنم. باید به جبهه برم، چرا که حضور جسمم مانعی است برای شناخت عقیده‌ام.»

- ما با رهبری امام خمینی نشان دادیم که این مکتب و مذهب که به قلب و جان انسان ها حکومت می کند، باید اوج بگیرد و پیش‌رفت کند. برادران؛ چشم دنیا به انقلاب ماست و هستند کسانی که به نان شب محتاج‌اند و هستند جاهایی که امید دارند که این نور انقلاب به خانه‌های گلی‌شان و به پوست‌های کدر و چروک‌شان بتابد. برادران؛ در مکتب انبیاء انسان نیامده مفت خورگی بکند. انسان نیامده بردگی بکند. انسان در راه است. باید طی شود. انالله و انا الیه راجعون.

امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی بر جامعه، همه بر همدیگر نظارت داشتن، این ذات مکتب است، این وجود مکتب است، از واجبات مکتب است. اگر حیات‌مان، زنده بودن‌مان و عقیده‌مان، مکتب‌مان است پس نمی‌توانیم جهاد و جامعه را رها کنیم.

به یاد شهید کرامت الله ایزدپناه

سیده زینب پرهیزگاری
salim_110@yahoo.com

کد مطلب: ۱۳۴۴

همی دور و بالل خمون

■ ۱ - امام شترش را به صد درهم نسیه خرید. آن عرب رفت و عرب دیگری آمد.
گفت: این شتر را می فروشی به صد و پنجاه درهم؟
امام شتر را به صد و پنجاه درهم فروخت و از حسین خواست تا بادیه نشین را بیابند و پولش را بدهند.
اما ناگاه چشمش به رسول الله افتاد.
پیامبر خندید و فرمود: ای علی، صاحب این شتر جبرائیل بود و آن مشتری میکائیل بود و این به خاطر ایثاری بود که در حق مقداد کردی. (میکائیل یکی از چهار فرشته مقرب خداوند که مأمور روزی مخلوقات است)

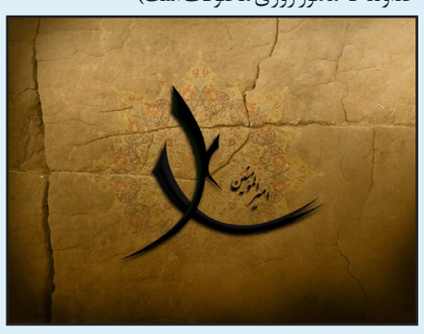

۲- عابدی چندین سال عبادت کرد، در عالم رویا به او خبر دادند که خداوند مقدر فرموده است که نصف عمرت فقیر باشی و نصف دیگرش غنی؛ حال انتخاب با خودت است که نیمه اول را انتخاب کنی یا نیمه دوم را.
در عالم رویا گفت: زن صالحه و عاقلی دارم که با او مشورت می کنم.
زن گفت: نصف اول را غنی انتخاب کن.
به مرور در زندگی‌اش نعمت فزونی یافت.
زن گفت: ای مرد وعده خداست، همین طور که خدا نعمت می دهد تو هم انفاق کن و او هم چنین کرد.
نصف عمرش گذشت و منتظر ماند تا فقر به سراغش بیاید اما وضعش فرقی نکرد و نعمات خدا بر او جاری می شد.
به او خبر رسید تو تشکر کردی و ما نعمتت را زیاد کردیم.
شکر مال، انفاق در راه خدا است.

کرم‌ا... بهزادی karambehzadi@gmail.com

خاطرات عشایری

کد مطلب: ۱۳۴۵

از خجالت شاه درآمدم

■ زنگ انشا نواخته شد، انشانویسان خوشحال و خندان از اینکه مطلب داشتند و به رشته‌ی تحریر درآورده‌بودند ولی آن‌هایی موردی به ذهن‌شان خطور نکرده‌بود در آخر کلاس به گوشه‌ای پناه برده و از دید دبیر پنهان می‌شدند. افراد کلاس چنان وحشتی از دبیر مربوطه داشتند که به محض ورودش نفس‌ها در سینه حبس، پشه سرک نمی کشید و چشم‌ها در چشمان دبیر گره می‌خورد؛ کلاً یک استثنایی بود. سبیل پرپشت، لب‌های بالا و پایین را به هم دوخته‌بود، به یک‌پارچه مشکی بود. کت و شلوار اتو کشیده، صورتی تیغ کشیده و صاف که مویرگ‌های صورتش را می‌شد شمرد که پشه‌ها به راحتی بر سطحش سورتمه سواری می کردند. ادکلن خوش بوی خارجی که فضای کلاس را تا مدت‌ها معطر می کرد و از بوی ادکلنش مسیر حرکت دبیر را می‌شد فهمید. کفش -شبرویی- که برق می‌زد، گرد و خاک‌ها فرسنگ‌ها با ایشان فاصله داشت و جرات نزدیک شدن به وی را نداشت. موهای دستش مجعد و ساعت (وستن واچ) مثل نگینی بر مچ دستش می‌درخشید. با انگشتانی قلمی و کشیده، گچی در دست گرفت و موضوع انشا را بر صفحه تخته سیاه منقش کرد. در مورد خدمات شاهنشاه به ملت ایران هر چه می‌دانید بنویسید. دفتر قرمز رنگ دویست برگی داشتم و تا آن‌جا که خودکارم تاب دویدن داشت جولان دادم و از بدی های رژیم و شخص شاه مطلب نوشتم، از ظلم و ستم و نابرابری نوشتم و از بی‌عدالتی‌هایی که در جامعه حاکم بود مطلب نگاشتم و حکومت را مقصر اصلی قلمداد کردم. حسابی از خجالت شاهنشاه درآمدم. نیم‌نگاهی به کلاس انداختم. هم کلاسی‌ها به سختی آب دهان‌شان را قورت می‌دادند. رنگ به رخسارشان نمانده بود. بچه‌ی دوران راهنمایی که راست راست از دیوار بالا می‌رفت به موجوداتی بی‌جان تبدیل شده بودند. با شنیدن صدای شاهنشاه، دبیر بلند شد و تعظیمی نوکرانه به تمثال شاه نمود و فی‌الفور بر بالای سرم مثل یک عقاب ظاهر گردید. آن‌قدر عصبانی شده‌بود که قطرات خون در چشمانش بازی می کردند، دستانش به رعشه افتاده بود. دفتر انشایم را به صورت خیلی مغرورانه گرفت و تحویل مدیر مدرسه داد. دوستانم فاتحه‌ام را خواندند و با شیطنت‌های جوانی اشاره می کردند کارت دیگر تمام است و باید به نکیر و منکر جوابگو باشی. واقعیت را انشا کرده‌بودم غیر از این هم نبود وجدان خفته‌ی خود دبیر را نیز بیدار کرده بودم ولی جیره‌خوار بود و راهی جز تمکین نداشت. نوکر قلاده به گردن بود و نان‌خور اعلی حضرتش!! با دید کوچک‌شان فکر می کردند به سرعت به فلک‌شان می‌بندند و تار و پودشان را به هوا می‌سپارند. احضار ولی شدم و با مشکلات عظیم و ارتباط گیری با دوستان از طریق برادرم توانستم از معرکه جان سالم به در ببرم و با یک تعهد ترکمنچای مانند سر کلاس درس اجازه حضور یافتم ولی کالبدم و جسم خاکی‌ام با آن ها بود ولی روح آسمانی‌ام به هیچ عنوان با خلق و خوی حیوانی آن‌ها سازگار نبود. زبانم را غلاف کردم و آن چه می‌دیدم و می شنیدم در ذهنم ثبت می کردم. اتفاقات این چنینی فراوان شد و کل جامعه‌ی ایران را فرا گرفت و سیدی از سلاله‌ی پاک پیغمبر(ص) پا بر عرصه گذاشت و انقلاب عظیم ایران زمین را رقم زد و سلسله جبال طاغوت را به هم ریخت و حکومت ۲۵۰۰ را با حقارت هرچه تمام‌تر در زباله‌دان تاریخ دفن نمود. دیری نپایید که مردم این سرزمین شیرینی انقلاب‌شان را مزه مزه کنند، استکبار توسط نوکر قلاده به گردنش، صدام تکریتی جنگ ویران گر و خانمان‌سوز به این ملت قهرمان و دلیرپرور تحمیل نمود. خبر تجاوز دشمن مثل برق و باد در کشور پیچید و همه را به مبارزه طلبید. ایلات یک‌پارچه با غیرت و تعصب لحظه‌شماری می کردند که جوانان ایلی یکی پس از دیگری برای دفاع از سرزمین‌های مادری قطار به کمر بستند و به میدان نبرد اعزام شدند. نزد پدر جایگاه ویژه‌ای داشتم، پدر جنگ‌های زیادی را در خاطره داشت و بیم داشت که نوجوانش را قربانی کند ولی غیرت و شجاعتش این اجازه را به خود نمی‌داد که پسر نوجوانش در رخت‌خواب بخوابد تا با لگد دشمن از خواب بیدار شود. چون دلاوری‌های رئیس‌علی دلواری تنگستانی را همیشه برای پسرش قصه می گفت و از دفاع مردانه‌اش از حریم کشورش در گوش پسر دائم نجوا می‌خواند ولی دلهره داشت. جنگ است، تعارفی ندارد. خود نیز در جنگ ایلات با دولتی‌ها که ظلم و ستم را تحمل نکرده‌بودند و قیام کرده چندین زخم کاری بر بدن داشت و نمی‌توانستم درد و رنج جنگ را بر سیمای نوجوانش ببیند. ولی جوان طاقت ماندن نداشت. طی سفری مخفیانه خود را به صحنه‌های نبرد رساند. صحنه‌هایی که به هیچ عنوان نمی‌شود توصیفش کرد و با هیچ قانون جنگی مقایسه‌اش نمود. مردم از سرزمین‌شان رانده شده بودند و آواره‌ی کوه و بیابان شده بودند. متجاوزان بعثی به صغیر و کبیر رحم نمی کردند. خوی وحشی گری داشتند و قتل و غارت را اساس کار خود قرار داده بودند. به سرعت با نامه به پدر اطلاع رسانی کردم و مابقی جوانان ایلی را به مبارزه طلبیدم وقایع را به واقعیت برایشان نقل کردم، شور حماسی برپا شد و از اقسا نقاط ایران از بزرگ و کوچک، حتی زنان غیور هم پا به عرصه‌ی جهاد گذاشتند. پسر ۱۳ ساله و پیرمرد ۷۰ ساله را با چشمان خودم دیدم که در یک سنگر می‌جنگیدند. این گونه بود که از یک وجب از خاک مقدس کشورمان به تاراج نرفت. خاک خوردیم ولی خاک ندادیم.

۰۹۱۷ ۱۴۸ ۵۲۳۵

انتقادات و پیشنهادات خود و نظراتتان را درباره نشریه به این شماره پیامک کنید.

ضمناً می‌توانید نظرتان را در باره هر مطلب با ارسال کد آن به همین شماره بیان کنید.